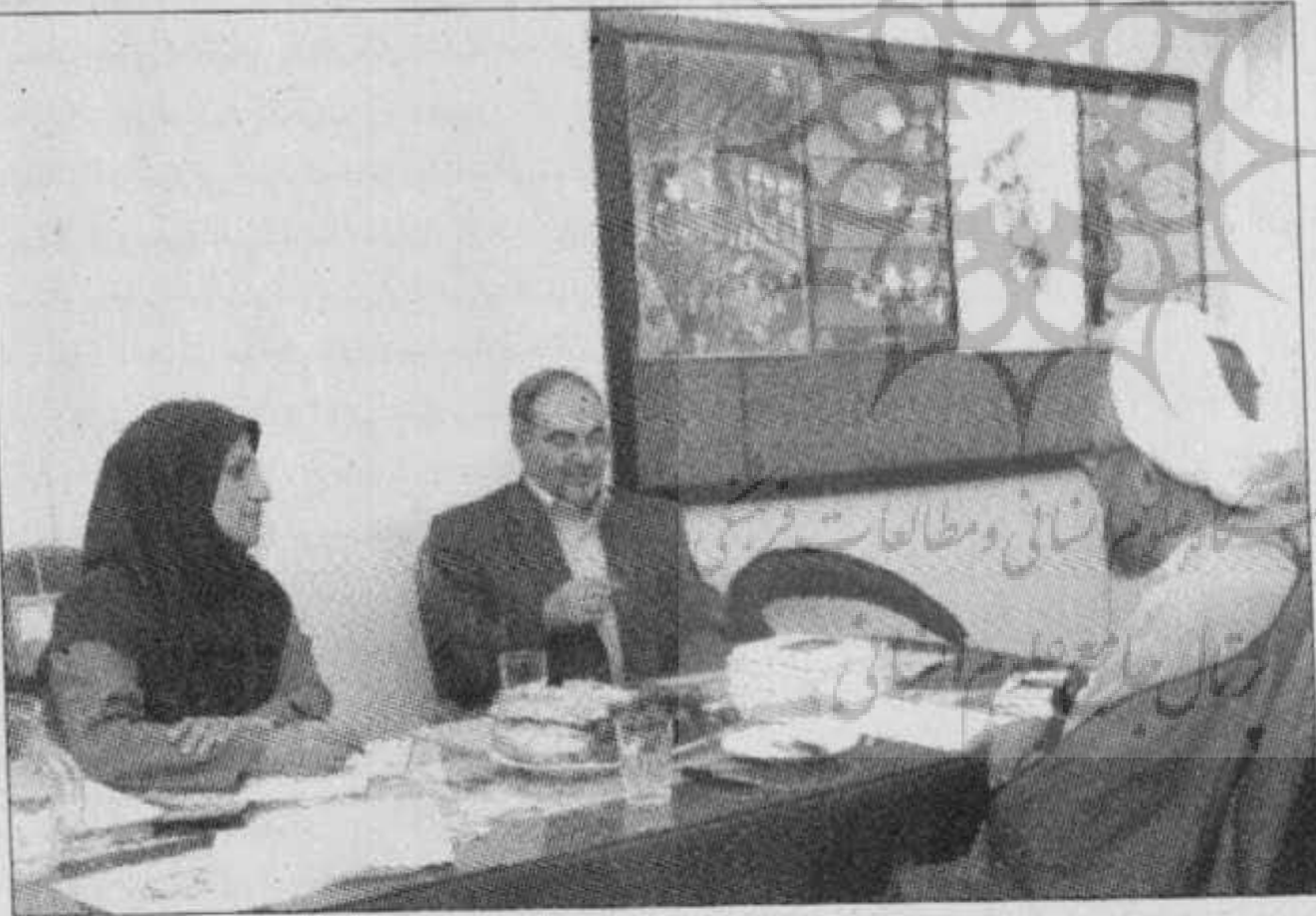


گفت و گو با دکتر همایون همتی رایزن فرهنگی ایران در آلمان

آینده اسلام در اروپا امیدبخش است

مریم آزادی



کیهان فرهنگی برای پیگیری فعالیت های جدید شخصیت هایی که قبلا به عنوان چهره اصلی و روی جلد مجله مطرح کرده است. هر از گاهی مصاحبه ای دیگر را ترتیب می دهد تا خوانندگان با ادامه عملکرد و آثار آنان آشنا شوند.

آقای دکتر همایون همتی از چهره های شناخته شده دانشگاهی است که به عنوان چهره اصلی شماره ۲۱۷، آبان ماه سال ۸۳ با وی گفت و گو شده است. اکنون برای بیان فعالیت های متنوع فرهنگی وی بعد از بازگشت از مأموریت سه ساله رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلمان، مجدداً میزبان او هستیم.

کشیان: جناب دکتر همتی خبردار شدیم حضرت عالی مدتی در آلمان بودید. ممکن است درباره فعالیت هایتان در آنجا توضیح بفرمایید.

همتی: «بسم الله الرحمن و الرحیم» قبل از ورود به مطلب لازم می دانم دو نکته را بگویم که خواهش می کنم حذف نفرمایید.

کشیان: قول می دهیم هیچ سخنی از شما را حذف نکنیم.

همتی: ابتدا لازم می دانم از لطف و عنایت عالمانه برادر عزیزم حضرت حجت الاسلام حاج آقا معلی

و تیمی که با ایشان کار می کنند، سپاسگزاری کنم که با توانایی و درایت این نشریه را رو به پیش منتشر می کنند. الحمدلله کیهان فرهنگی به صورت نشریه ای روشنفکرانه، مسلمانی، اسلامی، سالم و اطلاع رسان در حوزه فرهنگ درآمده است. وظیفه اخلاقی خودم دانستم که این سپاسگزاری را بکنم. نکته دوم این که در مصاحبه انجام شده با اینجانب در شماره ۲۱۷، تعبیراتی در تیترو سوتیترها درباره بنده شده بود که من خیلی کوچکتر از آن الفاظ و تعبیر هستم. گاهی لفظ مکاشفه به کار برده شده بود که درباره بعضی خواب هایی بوده که من دیده بودم

و می خواستم حدیث ارادتم را به حضرت امام (ره) عرض کنم.

به هر حال خوانندگان عزیز می شناسند می دانند که من خیلی کوچکتر از این ابعاد هستم و اگر خدای ناکرده خلاف تواضع جلوه کرده عذرخواهی می کنم. آنها حدیث دوست بود.

کتابخانه: هر چند روال ما حذف الطاف اساتید و چهره های فرهنگی نسبت به خودمان، در گفت و گوهای تجلیلی از آنهاست ولی در این مورد خاص به قول خود عمل می کنیم. حالا اگر اجازه بفرمایید برگردیم به اصل مطلب.

همتی: بنده مدتی توفیق داشتم با لطف و عنایت الهی به عنوان رایزن فرهنگی ایران در آلمان خدمت کنم. رایزنان فرهنگی به نوعی سفیران فرهنگی نظام محسوب می شوند. گرچه به لحاظ سیاسی سفرای ما نماینده کل نظام ما هستند. بخصوص در مقولات اجتماعی و سیاسی. اما رایزن ها یک مرتبه از وابسته های فرهنگی بالاتر هستند، مادر کشورهای معدودی رایزن فرهنگی داریم. خصوصاً رایزن فرهنگی آلمان مسوولیت مهمی است زیرا آلمان مهمترین کشور عضو اتحادیه اروپاست.

کتابخانه: مأموریت جناب عالی به عنوان رایزن فرهنگی در آلمان دقیقاً چه مدت طول کشید و به چه دلیل به کشور باز گشتید؟

همتی: تقریباً ۳ سال و ۴ ماه طول کشید و اخیراً هم به خواست و اصرار خودم و همچنین نیاز در کشور و پیغام بعضی از بزرگان آمدم و دانشگاه هم تمدید مأموریت من را خیلی دشوار قبول می کرد زیرا می خواستند دوره های دکتری تأسیس کنند و نیاز به رشته من داشتند. لذا ناچار بودم که بازگردم.

کتابخانه: برای نزدیک شدن به فضای کار شما در آلمان، ما را تا حدودی با سابقه فرهنگی آلمان آشنا می کنید.

همتی: همان طور که گفتم آلمان یکی از مهمترین کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. هم به لحاظ جمعیت زیاد و هم پیشرفت صنعتی و تکنولوژی و چند سالی است که پای ثابت مذاکرات مربوط به بحث و تکنولوژی هسته ای با ما است. همه اینها بر خطیر بودن شرایط این کشور می افزاید که این کشور خاستگاه ایدئولوژی مارکسیسم بوده. مارکس در آنجا ظهور کرده و هنوز در خیابان های برلین و حتی دهات و روستاهای اطراف، خیابان هایی به نام فردریش انگلس، کارل مارکس، مارتین لوتر، کانت، لایپ نیتز و... وجود دارد. آلمان همچنین مهد ظهور مذهب پروتستان بوده. من توفیق داشتم چند بار به همراه اساتید دانشگاه یارو حانیون عزیز که از قم تشریف آورده بودند؛ کلسیای ویتنبرگ و سر قبر لوتر بروم و محل زندگی و حجره تحصیلش



را قبل از این که به شهرت برسد و همینطور محل اقامت او را تا پایان زندگی اش نشان بدهم همچنین مهد موسیقیدانان بزرگی مثل بتهوون یا ادبای بزرگی مثل گوته و فیلسوفانی چون کانت و هگل و بسیاری دیگر بوده است. در الهیات هم، فردریش شلایرماخر پدر کلام جدید و کلام لیبرال پروتستان است، کسی که پدر هر مونتیک دینی لقب گرفته به اصطلاح، دیگر غول های الهیات.

کتابخانه: باتوجه به اینکه رشته تخصصی شما فلسفه و الهیات است چهره های آلمان امروز را در این حوزه چگونه می بینید؟

همتی: هر چند هنوز در آلمان چراغ فلسفه و

الهیات روشن است، اما آن تابندگی و فروزندگی گذشته را ندارد. امروز فیلسوف صاحب مکتبی که استخوان دار و صاحب نظر باشد وجود ندارد بلکه شاگردان قدیمی ها هستند که حلقه ها و کرسی های فلسفه و الهیات را اداره می کنند. بخصوص برای ما ایرانی ها که دارای پیشینه تمدنی دیرینه و پر قدمت فلسفه و عرفان غنی و همینطور ادبیات و شعر پر نغز هستیم چندان جلوه ای ندارند.

کتابخانه: علمای ما از قبل برای آلمان جایگاه ویژه ای قائل بودند بویژه زمانی که حوزه های علمیه در سایر جاها، نماینده نداشتند آیت الله بروجردی جایگاه ویژه ای برای آلمان قائل بودند و کسی مانند آیت الله بهشتی را به آنجا فرستادند. بد نیست یاد آن شهید نیز در اینجا زنده شود.

همتی: مراجع تقلید بیدار و هوشمند ما بخصوص مرحوم آیت الله بروجردی که این روزها هم بزرگداشتشان است، از دیرباز یک مرکز اسلامی در شهر هامبورگ تأسیس کردند. این مرکز مسجد امیر المؤمنین (ع) نام دارد که بیش از ۶۰ سال قدمت دارد و هنوز هم چراغ اسلام در آنجا فروزان است. الحمدلله در گذشته هم بزرگان مثل شهید بهشتی بودند که من از آلمانی های هم سن و سال ایشان همیشه ذکر خیرشان را شنیدم و با افتخار خودم را هموطن ایشان معرفی می کردم. پرفسورهای دانشگاه که ایشان را دیده بودند با اشتیاق فراوان درخواست می کردند اگر بزرگداشتی در رایزنی فرهنگی برای دکتر بهشتی ترتیب داده شد، آنها را دعوت کنیم. ادبای بزرگ آلمانی زبان که در حد ویراستاران زبان آلمانی، ادیب و شاعر هستند اعتراف می کردند که تسلط شهید بهشتی به زبان آلمانی به قدری بود که متن ها و صحبت هایشان نیاز به ویراستاری نداشت. دکتر تومامس اوگر که دکترای ادبیات آلمانی دارد از گشاده رویی، تحمل و تواضع شهید بهشتی چند خاطره برای من نقل کرد. البته دوستان دیگر هم بودند مثل حجت الاسلام خاتمی و انصاری محلاتی که هر کدام به وسع خودشان و مقتضای زمانه کار کردند. ولی انصافاً برای دکتر بهشتی باید حساب جداگانه ای باز کرد. یک خانم مسیحی آلمانی تعریف می کرد که من یک زمانی پنجاه دلار لازم داشتم به طریقی این موضوع به گوش شهید بهشتی رسید. پنهانی از طریقی برای من ارسال کرد و من فکر کردم در قبالتش می خواهد من مسلمان بشوم و این کار او مقدمه ای است که شیعه بشوم. در ملاقات های بعدی می دیدم این کار او رنگ و بوی تبلیغی نداشت و از من توقعی نداشت. این خانم فوق لیسانس بود و می گفت: چنان شیفته شده بودم که هر شب جمعه می رفتم مرکز اسلامی در هامبورگ که فقط حرف های ایشان را گوش کنم.

بدون این که صریح و مستقیم از من بخواهد، من را وادار و کنجکاو می کرد به مطالعه. من در اثر مطالعه به سمت اسلام آمدم و اکنون همسری مسلمان دارم. شنیدن این خاطرات موجب خوشحالی و سرافرازی من می شد و سعی می کردم این رفتار را در حد بضاعت خودم به عنوان یکی از شاگردان مکتب شهید بهشتی داشته باشم البته من هیچ وقت توفیق شاگردیش را نداشتم و هیچ وقت زیارتشان نکردم ولی احساس می کردم در آن فضا باید اینطور کار کرد. واقعا الهام می گرفتم. امیدوارم در این فضا و مقطع جدید و با فکر جدیدی که مقام معظم رهبری تزریق کردند و در واقع ارائه طریق فرمودند، برنامه های جدیدی در آنجا اجرا شود که ان شاء الله اسلام ناب و انقلاب ایران، امام و رهبری را بهتر معرفی کند.

مرکز اسلامی هامبورگ آلمان توسط برادر عزیزم آقای رمضانی اداره می شود و پیش از ایشان حاج آقا قائم مقامی بودند.

کوشش: پس شما پای جای پای شهید بهشتی گذاشتید با این الگوگیری از چگونگی برقرار ارتباط با اقشار مختلف برایمان بگویید.

همتی: بنده در این سه سال و چند ماهی که در آلمان بودم، خودم را یک سرباز در سنگر و یک معلم حقیر در دانشگاه احساس می کردم و سعی می کردم با اقشار گوناگون، بویژه مردم ایرانی و آلمانی ارتباط برقرار کنم و در حوزه دیالوگ ادیان با روحانیون و کشیش ها، علمای مسیحی و پیروان دیگر ادیان همین روش را دنبال کردم.

با روشنفکران و دانشجویان هم الحمدلله جلسات هفتگی یا دو هفته یکبار داشتم که سخنران هایی طراحی کرده بودیم تحت عنوان دین و جامعه، دین و فرهنگ هر سال یک سلسله از این سخنرانی ها بود. سال اول هفته ای یکبار و سال دوم به دلیل تنگناهای بودجه و مشکلات مالی دو هفته ای یکبار با زبان های انگلیسی و آلمانی و فارسی برگزار می شد و یک حلقه خوبی بود.

کوشش: از فعالیت هایی که در این مدت به عنوان رایزن فرهنگی داشتید که می تواند برای سایر کشورها الگو باشد، با این تاکید که مخاطبین شما در رایزنی های فرهنگی هم باشند و بتوانند الگو بگیرند و به آنها کمک بکنند، بفرمایید.

همتی: خودم را در آن حد نمی دانم که کارهایم الگو باشد. ولی پیش و جدانم راحت هستم.

با توجه به امکاناتی که به من داده شده و اختیاراتی که داشتم. لطف پروردگار شامل حالم شد و توانستم به کمک بزرگان خیراندیشان و هدایت شدن توسط علمای بزرگ و اساتید سابق خودم به خصوص



در حوزه علمی قم، و همکاران دانشگاهی که از نظرات ایشان بهره مند شدم و مشورت هایی می گرفتم. به خودم نمره قبولی بدهم. کارهایی که در آلمان می کردم در چند سطح بود. و یکی در سطح توده مردم آلمان یعنی غیر متخصص ها و افراد عادی جامعه. ملاقات هایی داشتم، که به مناسبت جشن های مختلف آنها را دعوت می کردم و سعی داشتم در این تماس ها حا مل پیام معنوی و فکری کشورم، دینم و مذهبم باشم. دیگری خانواده ها، دانش آموزان و جوانان ایرانی بودند که برای آنها برنامه های گوناگونی داشتیم بویژه به برگزاری کلاس های زبان فارسی خیلی اهمیت می دادم. کلام رهبری همیشه در گوشم بود که می فرمودند: «زبان فارسی باید زبان دوم عالم اسلام باشد و این پتانسیل را دارد». بنابراین سعی می کردم زبان فارسی را ترویج کنیم. هم در سطح تحصیل کرده ها مثل آلمانی هایی که قصد داشتند در آینده به ایران بیایند و حتی دیپلمات هایشان و چه در سطح کودکان و دانشجویان برای خانواده های ایرانی از مشاورین هم استفاده می کردیم. مثلا چند بار خانم دکتر فردوسی و آقای دکتر افروز و اساتید دیگر را دعوت کردم و جلسات مشاوره تربیتی و روان شناسی گذاشتیم و مشکلات آنها را بررسی می کردیم.

از دیگر جلسات، برگزاری جشن های ملی مثل نوروز بود، با عنوان جشن همبستگی ایرانیان سعی می کردم که مخاطب های بیشتری را از شهرهای مختلف جذب کنیم.

با غذاهای سنتی خودمان پذیرایی می کردیم تا آنها احساس کنند یک خانواده هستند. موسیقی اصیل و سالم ایرانی داشتیم. شعر خوانی، اهدای جوایز به دانش آموزان و دانشجویان ممتاز و... از دیگر برنامه های ما بود... یک بحث دیگر ملاقات با نخبگان ایرانی، پرفسورها، استاد های دانشگاه ها مثل پروفیسور سمیعی، جعفری، رحمان زاده و... بود که سعی می کردیم در حل مشکلاتشان کمکشان کنیم. اگر می توانستند به ایران بیایند، دعوت می کردیم، کتاب و پوستر هدیه می دادیم و...

کوشش: نمایشگاه بین المللی کتاب در فرانکفورت یک حادثه جهانی به واسطه تعداد و تنوع بازدیدکنندگان از کشورهای مختلف در عرض ۴ روز محسوب می شود. ایران توانست در این نمایشگاه غرفه ای برای خود داشته باشد؟

همتی: البته، نه تنها در آنجا غرفه داشتیم. بلکه سخنرانی های جمعی و مصاحبه داشتیم و سعی می کردیم ضمن آنها سعدی، حافظ، مولانا، ابن سینا و... را بشناسانیم. اساتیدی از ایران و آلمان دعوت می کردیم. سخنرانی های علمی می گذاشتیم. در غرفه ایران هم کتاب های روز را با کمک ناشرین می گرفتیم و ارائه می کردیم. مصاحبه های خوبی در محل غرفه کتاب ایران به زبان های مختلف داشتیم و شخصیت های خیلی معتبری حتی در حد روسای جمهوری و مسوولان کشور آلمان می آمدند از غرفه ایران دیدن می کردند.

کوشش: بازدید بعضی از این چهره های سرشناس را به یاد دارید؟

همتی: بله یادم نمی رود، آقای شوارز نادزه آمده بود غرفه ایران، ما به او یک دیوان حافظ هدیه کردیم خیلی استقبال کرد. در یکی از سال ها هم آقای پرفیسور کورت فلاش، برنده کتاب سال جمهوری اسلامی شده بود که بنده افتخار داشتم لوح تقدیر رئیس جمهور محبوبمان را به عنوان نماینده کشورمان به ایشان تقدیم کردم. به همراه سبلنی که به ایشان تعلق گرفته بود. یک سخنرانی هم به زبان انگلیسی کردم، ایشان هم صحبت هایی در مورد نظام جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهورمان کرد که واقعا موجب سرافرازی ما شد که یک پروفیسور ۸۰ ساله آلمانی که هرگز ایران را از نزدیک ندیده است، دورادور یک چنین قضاوت منصفانه و عالمانه ای نسبت به کشور ما دارد. آنجا بسیاری از شبهاتی که علیه ما مطرح می شد را ایشان پاسخ داد. می گفت: اصلا فکر نمی کردم کتاب من در ایران خوانده شود چه رسد به اینکه برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی هم بشود. الحمدلله در آن ۳ سالی که من بودم، علی رغم وجود اپوزیسیون بدون

مشکل و مزاحمت، کارمان پیش رفت.
کتابخانه: به صورت خصوصی و خارج از
قالب نمایشگاه و سایر مراسم با نخبگان
آلمانی هم ملاقات و گفت و گو داشتید؟

همتی: یک کار اصلی و مهم من ملاقات و
گفت و گو با نخبگان آلمانی بود. چه در حوزه
دیالوگ ادیان و چه در حوزه مطبوعات. در طول
هفته چندین ملاقات داشتم. اکثراً برای صبحانه یا
ناهار از پرفسورهای دانشگاه حتی از شهرهای دیگر
میهمان داشتم. مثلاً پرفسور بورگل از اتریش آمده
بود. او مولوی شناس است که الآن روی نظامی کار
می‌کند. یا خانم شمیل، ایشان بزرگترین
ایران شناس معاصر و مولوی پژوه بود که متأسفانه
مرحوم شد. برای دیالوگ ادیان به کلیساها و مراکز
مختلف پروتستان و کاتولیک‌ها در بین کشورهای
اروپایی می‌رفتم و با پرفسورها و کارکنان آنها بحث
می‌کردم. هر سال هم در مراسمی که کاردینال لیمان
و اسقف اعظم سولایچ رئیس کلیسای کاتولیک کل
آلمان که از منصوبین پاپ از واتیکان هست دعوت

می‌شدم و می‌رفتم. در دانشگاه‌ها
هم در رشته‌های اسلام شناسی،
فلسفه و الهیات سخنرانی داشتم.
مثل دانشگاه لایپزیگ که دومین
دانشگاه قدیمی آلمان بعد از دانشگاه
هایدلبرگ با بیش از ۶۰۰ سال
سابقه است. یا دانشگاه
فرانکفورت. مثلاً در سمینار ۳ روزه
این دانشگاه برای اولین بار نصر
حامد ابوزید معروف را دیدم و بحثی
نزدیک به ۲ ساعت به زبان انگلیسی
داشتیم که از سوی هر دو طرف ضبط
شد.

کتابخانه: شایع شده بود که نظر
ایشان در خصوص تفکیک بین لفظ
و معنا با نظر سروش یکسان است.
همتی: ایشان در آنجا صریحاً به من

گفت که این نظریه جدید آقای دکتر سروش که قرآن
کلام محمد است نه زبان خداوند، ربطی به نظرات
من ندارد و در ایران به من نسبت داده شده که من
قبول ندارم و معتقدم قرآن کلام خداست و بعد
توضیح داد اشتباه آقای سروش این است که تئوری
فردینان دوسوسور را به عنوان دستور زبان پذیرفته
است. من تئوری رومن یاکوپس را قبول دارم نه آن
را. یعنی ایشان معتقد است اصلاً تفکیک بین لفظ و
معنی غلط است نمی‌توان گفت که لفظ را پیامبر داده
و معنی را خدا. می‌گفت زبان یا مجموع الفاظ یا
معانی است یا نیست. شما نمی‌توانید لفظ را از معنی
جدا کنید و این اشتباه را آقای سروش کرده‌اند.

کتابخانه: قوانین و محدودیت‌های

□ هر چند هنوز در آلمان چراغ فلسفه و الهیات روشن است، اما آن تابندگی و فروزندگی گذشته را ندارد. امروز فیلسوف صاحب مکتبی که استخوان دار و صاحب نظر باشد در آنجا وجود ندارد.



دکتر همتی در دیدار با پرفسور الف تسمیر، رئیس دانشگاه رگنسبورگ

دیپلماتیک دست شما را برای برقراری و
ایجاد روابط و گفت و گوها نمی‌بست؟

همتی: در آلمان رئیس یک دانشگاه اختیارات
بالایی دارد. شاید در حد یک وزیر. معمولاً حتی
روسای دانشگاه‌ها هم با دیپلمات‌ها مشکل ملاقات
می‌کنند. ولی من آنجا چون حضور دو گانه داشتم
هم کنسول فرهنگی و هم معلمی از دانشگاه، احترام
می‌کردند و سریع وقت ملاقات می‌دادند و دوستانه
و مساوی با من برخورد می‌کردند.

همچنان به عنوان نویسنده در مطبوعات آلمان هم
حضور داشتم، مقاله می‌دادم و نسبت به برخی از
مسائل واکنش نشان می‌دادم و پاسخ می‌دادم و چاپ
می‌شد مثل فیلم فته و ۳۰۰ که آنجا اکران شد.

اینجور نبود که بگویم محدودیت‌های دیپلماتیک
دست و پای مرا می‌بندد و از وظیفه اصلی کناره
بگیرم. عالمانه وارد قضیه می‌شدم. اتفاقاً سفرای
وقت هم حمایت می‌کردند. می‌دانستند اهل
شلوغ کاری نیستم و لطف و عنایت برادرانه به من
داشتند. چند بار در چند کانال تلویزیونی آلمان
شرکت کردم. مثلاً بعد از صحبت‌های پاپ در
دانشگاه رگنسبورگ، نامه‌ای به رئیس دانشگاه
نوشتیم و آمادگی خود را برای مناظره با الهی دانان و
تنولوگ‌هایشان اعلام کردم. دفتر مقام معظم
رهبری را هم در جریان گذاشتم که استقبال کردند.
رفتم و با چهار تنولوگ پیر به آلمانی و انگلیسی بدون
مترجم صحبت کردم.

بعد از آن بود که شرمند شدند و هیچ کدام از
صحبت‌های پاپ، دفاع نکردند و گفتند ما
شرمندیم که صحبت‌های پدر مقدس مشکل ساز
شده است. بعد از این مناظره، نامه‌ها و تلگراف‌ها و
تلفن‌های زیادی از سراسر جهان دریافت کردیم با
این مضمون که فهمیدیم ما هیچ چیز راجع به فلسفه
و کلام اسلامی نمی‌دانیم. من هم
راجع به کلام اهل بیت صحبت
کردم. نمی‌دانستند چیزی هم به اسم
کلام اهل بیت و کلام شیعه وجود
دارد. گفتند شما حاضرید ماهی یک
بار در دانشگاه برای دانشجویان
دکتر و اساتید، کنفرانس بدهید؟ تا
آن موقع از قادیانیه، احمدیه، حتی
بهاییها و اسماعیلیه به عنوان داور
برای رساله‌هایی که راجع به اسلام و
شیعه است کمک می‌گرفتند، چون
استاد شیعه نداشتند، قرار شد ماهی
یک بار بروم.

برای سالگرد پانصدمین سال
تأسیس دانشگاه رگنسبورگ باز
درباره شیعه سخنرانی کردم و بعد
جلسه‌ای برای دبیران تعلیمات

دینی شان گذاشتم. جالب است. من مسلمان ایرانی
بودم و درباره تدریس ادیان در دبیرستان‌ها برای
معلم‌هایی که تربیت دینی درس می‌دادند کلاس
داشتم.

با بزرگترین تنولوگ‌های آلمان مثل هانس کونگ
دیدار داشتم با ورتان نمی‌شود ایشان مرا بغل کرد و
چند بار پیشانی‌ام را بوسید. مرا از قبل می‌شناخت
در سمینارها دیده بود و با کار قلمی‌ام در کشورهای
دیگر آشنا بود. چند جلد از کتاب‌هایم را برایش بردم
و یک شماره از کیهان فرهنگی به ایشان نشان دادم.
ایشان ۱۳ دکترای افتخاری دارند. بارها مدال‌ها و
جوایزی دریافت کرده و اختلاف نظر بسیاری با پاپ
دارد و کسی است که اعتقاد دارد پاپ معصوم

نیست. چه زان پل دوم و چه بندیکت شانزدهم که در کلاس ایشان بودند و بحث‌های زیادی هم با یکدیگر داشتند. بعد از این ملاقات قرار شد از من به عنوان استاد مشاور برای تزهایی که درباره فلسفه اسلامی و شیعه در اسلام شناسی است استفاده کنند. نتیجه این کارها را برای دفتر مقام معظم رهبری فرستادیم و بعد نامه آمده بود و تشکر و اظهار لطف مقام رهبری در نامه‌ای که آیت‌الله قمی برای من فرستاد.

کشتان: کارها و برنامه‌های هنری به دلیل جذابیت زیادی که دارند در جذب مخاطب خیلی مؤثرند ضمن این که علاقه‌مندان خاص خودش را دارد. برای این گروه هم فکری کرده بودید؟

همتی: البته. اتفاقاً کارهای هنری یکی از بخش‌هایی بود که از اهمیت زیادی برخوردار بود. من توانستم آقای سالار حقیقی و بعضی گروه‌های دیگر را به برلین دعوت کنم و همراه با راکستر رادیو

برلین در سالنی که ۱۲۰۰ نفر گنجایش داشت سرود وطنم و وطنم را با گروه کر برلین خواندند و آلمانی‌ها هم با لهجه آلمانی تکرار می‌کردند. خیلی زیبا و غرور انگیز بود که سفیرمان به وجد آمده بود. یا سرودهای جالبی از غزلیات شمس و مولانا که بسیار عالی بود. از طرف سازمان و وزارت ارشاد هم گروه‌های خوبی می‌آمدند و با حفظ شئون اسلامی بر نامه‌های هنری قوی اجرامی کردند. که هم ایرانی‌ها و هم آلمانی‌ها استقبال و درخواست تکرار می‌کردند.

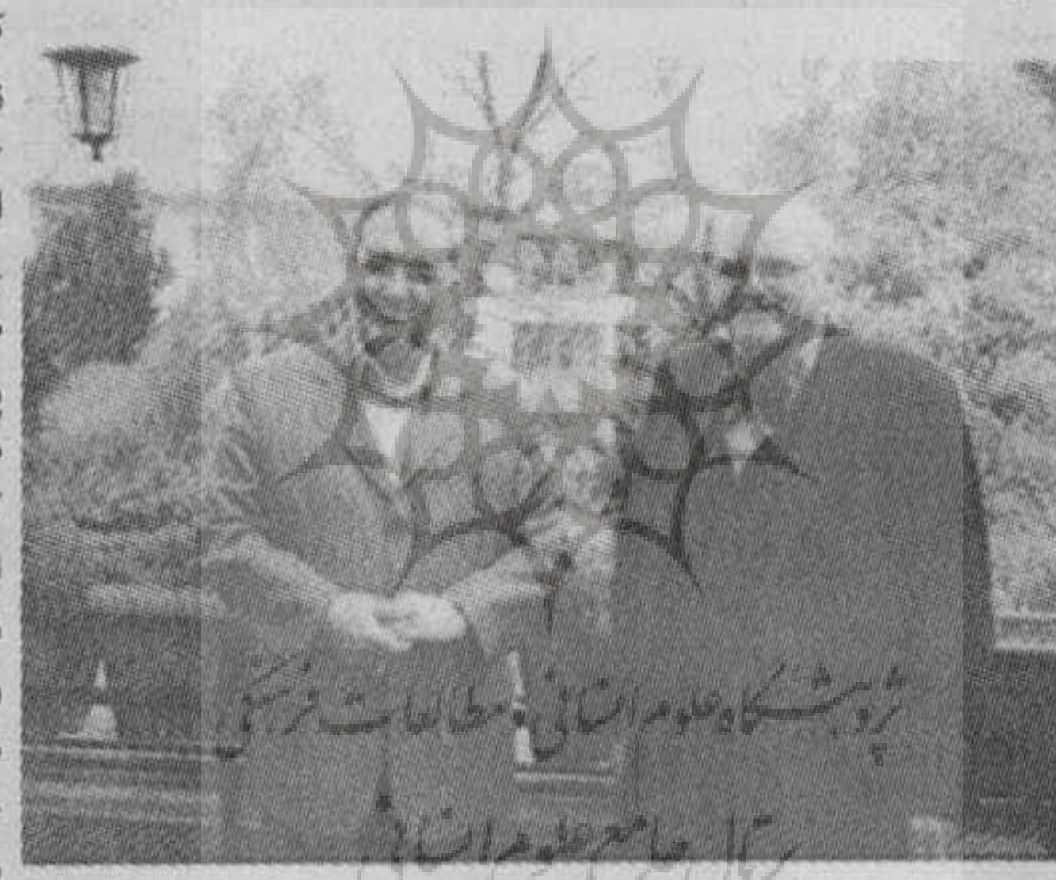
همایش‌های پیامبر اعظم، غدیر، نیمه شعبان و هر سال سالگرد رحلت

امام نمونه‌هایی دیگر از کارهای ما بود که سال اول در بین تمام رایزنی‌های ایران در جهان اول شد. متن صحبت‌هایی که این حقیر درباره نگرش فلسفی امام داشتم آلمانی‌های حاضر خواستند تا به عنوان تز استفاده کنند. از طرف دفتر وزیر محترم ارشاد جناب آقای صفارهرندی هم تقدیرنامه‌ای برای من فرستاد و تأیید کردند که بهترین برنامه‌ها در آلمان اجرا شده است.

کشتان: از امکان ارتباط گسترده سایت هم برای مخاطبان رایزنی فرهنگی استفاده می‌کردید؟

همتی: رایزنی یک سایت به زبان آلمانی داشت که هفت هزار و سیصد و پانزده مراجعه داشت. بعد از سه سال که من آنجا بودم مراجعه به بیش از یکصد و پنجاه هزار نفر رسید و سایت فارسی و آلمانی شد. روزی چند ساعت به انگلیسی و آلمانی برنامه

□ مرحوم آیت‌الله بروجرودی یک مرکز اسلامی در شهر هامبورگ تأسیس کردند. این مرکز مسجد امیر المؤمنین (ع) نام دارد که بیش از ۶۰ سال قدمت دارد و هنوز هم چراغ اسلام در آنجا فروزان است.



دکتر همتی با آقای پروفیسور ایوب کوهرل، رئیس شورای مسلمانان آلمان

و مطالب و خبر تهیه می‌کردم. هم برای سایت آلمانی و هم فارسی. به اعتراف دانشجویان بورسیه در آلمان و مسؤولان سفارت‌مان، یکی از بهترین و قوی‌ترین سایت‌های به روز بود. هر خبری که در آلمان می‌شد گاهی به همراه نقد آن به سرعت روی سایت می‌آوردیم. به طوری که گاهی نشریات آلمانی و بعضاً ایرانی از روی سایت ما خبر برمی‌داشتند.

کشتان: نشریه هم داشتید؟

همتی: مجله اشیکتروم به زبان آلمانی بود که حدود ۱۸ سال در می‌آمد. این نشریه به دانشگاه‌ها، آکادمی‌ها و انستیتوهای علمی می‌رفت مدت یک سال این مجله تعطیل شده بود. با نامه‌نگاری و فرستادن کپی فیدبک‌ها و... خواستیم که مجله دوباره انتشارش را شروع کند، سه شماره اش

آن لاین بود.

این نشریه قبلاً زیاد رنگ و بوی ایرانی نداشت. با استفاده از آثار ایرانی مثل مینیاتور استاد فرشچیان و به کار بردن نشانه‌های اسلامی مثل طرح گنبد، بدان ماهیت ایرانی اسلامی دادیم. از لحاظ محتوی هم رنگ و بوی اسلامی گرفت و تغییر کرد. با آوردن مطالب با محتوای عرفان اسلامی، اسلام شناسی، فصوص الحکم و ترجمه آلمانی آن و... این کار را کردیم. مجله همیشه با یک آیه قرآن شروع می‌شد و زیر آرم جمهوری اسلامی هم قید کردیم که نشریه مال کجاست. می‌خواستیم نشریه محل تلاقی افکار و آراء در حوزه ایران شناسی و اسلام شناسی، چه در ایران و چه در آلمان باشد. سعی کردم در حوزه دین و دیالوگ ادیان، اطلاع‌رسانی شود و در آینده پایه‌ای شود برای انجمن ایران شناسی علمی آلمان. منتهی نه آن ایران شناسی ملحدانه و ستیزه جویانه و مبتنی بر پان ایرانیسم بلکه به نوعی برآمده از دل انقلاب اسلامی. نگاه کردن به حاکمیت فرهنگ جامعه ایران که در دل فرهنگ اسلامی است. اساتید

زیادی با همدلی و بدون این که خصوصی با ایران داشته باشند با ما ارتباط برقرار می‌کردند و بدون چشمداشت مالی با ما همکاری می‌کردند. البته ما هم پولی برای پرداخت به آنها نداشتیم. در عوض من هم برای آنها سخنرانی می‌کردم و کلاس‌های رایگان برگزار می‌کردم. اساتید معتبر دانشگاه‌های آلمان، فرانکفورت، لایپزیگ، برلین، مونیخ و... خودم هم سردبیر بودم و مقدمه و مقاله می‌نوشتیم. یک فضایی بین ما حاکم شده بود که مثل یک خانواده بودیم. اگر در دانشگاه در مورد

شیعه شناسی خبری می‌شد یا مثلاً خبری از قرآن در شهر دیگری در آلمان چاپ می‌شد به هر طریقی بود به من خبر می‌دادند و این برای من ارزشمند بود. گاهی برای تشکر به آنها از صنایع دستی ایران هدیه می‌دادم فقط همین

کشتان: به زبان فارسی هم نشریه داشتید؟

همتی: من مجله‌ای فارسی هم در آوردم یکی «صبح امید» بود و دیگری «دیدار آشنا» به دو زبان آلمانی و فارسی برای نسل جوان. صبح امید را ماهانه منتشر می‌کردیم و سعی می‌کردیم شامل اخبار فرهنگی و مصاحبه و... باشد. این کار در واقع در اس کارهای مهم من بود.

کشتان: ارتباط رایزنی فرهنگی با افراد سایر مذاهب اسلامی چگونه بود؟

همتی: ما روابط واقعا برادرانه‌ای داشتیم. در

سخنرانی‌های ما افراد زیادی از آنها تشریف داشتند که به ما ابراز لطف می‌کردند. ما هم در اصطصمیمانه‌ای داشتیم. من گاهی بدون خبر و تشریفات و با پای پیاده پیش آنها می‌رفتم، غافلگیر می‌شدند. با هم غذا می‌خوردیم و برایشان صحبت می‌کردم، از احادیث حضرت رسول (ص) زیاد برایشان نقل می‌کردم. ماه رمضان حتماً می‌رفتم به مساجد مختلف آنها. پای همه جلسه‌ها و صحبت‌های آنها بودم. آنها هم از ما تأثیر می‌گرفتند مثلاً آقای هانسل فالکنهاگن مسلمان شده بود و اسمش را احسن گذاشته بود. یا آقای گولپل به خاطر انتقاد نرم و ساده از اسرائیل از اشیگل اخراج شده بود. رایزنی فرهنگی جوری شده بود که هر ملیتی را در آن می‌توانستید پیدا کنید، عرب، ترک، لبنانی، هندی و... حتی یک کشیش سیاه پوست بود که همیشه در جلسات ما شرکت می‌کرد و هنگام خستگی به شوخی می‌گفت صلوات. یک بار به من

گفت آرزو می‌کنم اگر روزی قرار شد حکومت آلمان عوض شود، جمهوری اسلامی شود و مسیحی‌های حاضر در جلسه کف زدند و گفتند چه می‌گویید؟ گفت چون نظامی که نه تنها در حرف بلکه در عمل طرفدار عدالت است و مردانه ایستاده و از عدالت دفاع می‌کند و به فکر شکم گرسنگان سیاه پوست است، فقط جمهوری اسلامی است. ایشان خدمت آیت الله تسخیری، آقای حداد عادل و آقای احمدی نژاد رسیده بود می‌گفت آیت الله تسخیری به من گفته سعی کنید شما هم نهضتی برای سیاه پوستان مثل نهضت امام (ره) برپا کنید، خیلی از ایران الهام گرفته بود.

کتاب: با وجود پیسرفت تکنولوژی و دست‌یابی به اطلاعات از این طریق، اما هنوز کتاب جایگاه ویژه‌ای برای خود دارد به ویژه در بین تحصیل کردگان و دانشگاهیان. در این زمینه و تأمین نظر آنها اقدامی صورت دادید؟

همتی: الحمدلله ما توانستیم نزدیک به بیست عنوان کتاب چاپ کنیم. مثلاً برای اولین بار قانون اساسی جمهوری اسلامی را که مترجم رسمی سفارت و مترجم رایزنی تأیید کرده بودند، منتشر کردیم. شهید و شهادت در اسلام و تالیف اسناد مطهری در خصوص سیره نبوی است. حقوق بشر و آزادی از حضرت آقا. قرآن در اسلام از آیت الله طباطبایی و المراجعات ایشان که اکنون زیر چاپ است. سعی کردم با راهنمایی آقای قمی بعضی از منابع اصلی شیعی را برای محققین در آلمان ترجمه کنیم مثل تحف العقول که زیر چاپ است و بعضی

شود. حتی احادیث و آیات و زیرنویس آن را درمی‌آوردیم و کار می‌کردیم رساله توحید ایشان را ترجمه و منتشر کردیم. یک استاد دانشگاه، دو خانم تازه مسلمان که مترجم و ویراستار بودند، زیر نظر من کار می‌کردند. با کمک مترجم رسمی سفارت و رایزنی‌ها. **کتابخانه:** به نظر می‌رسد آشنایی با زبان در پیشبرد کارها به شما خیلی کمک می‌کرده است.

همتی: البته این خیلی مهم است، من خواهشم از مسؤولان این است که از این به بعد، رایزنی‌ها را که برای کشورها انتخاب می‌کنند حتماً به زبان بومی آن کشور و یا به انگلیسی تسلط کامل داشته باشند. این خیلی در ایجاد رابطه و برقراری ارتباط به من کمک می‌کرد.

کتابخانه: جالب است با این که کار اصلی شما معارف و فلسفه است ولی از موسیقی، هنر، و... غافل نبوده‌اید. خوب از امضای تفاهم نامه با دانشگاه لایپزیگ هم بفرمایید.

همتی: امضاء تفاهم نامه جامع همکاری علمی با دانشگاه لایپزیگ اتفاق منحصر به فردی است. ما هیچ تفاهم نامه‌ای با هیچ دانشگاه آلمانی نداشتیم. فقط دانشگاه III برلین با صنعتی شریف یک تفاهم نامه داشتند که آن هم فعلاً مسکوت مانده و عمل نمی‌شود. بر اساس تفاهم نامه ما در دانشگاه لایپزیگ بخش شیعه‌شناسی برای تدریس فقه امامیه، اصول، فلسفه و... خواهیم داشت. آنجا اسماعیلیه، زیدیه و دروزیه



دکتر همتی با پروفسور شولتز، رئیس شرق‌شناسی دانشگاه لایپزیگ

رساله علوم اسلامی

از کتب معصری مثل کارهای سید شرف‌الدین که معرف شیعه است. از شهید صدر رساله مهدی موعود (عج) ترجمه شد. در کنار اینها ترجمه‌ای آلمانی از گلستان سعدی را یک خانم آلمانی با کمک ما انجام داد. جهاد اکبر یا جهاد بانفس امام را ترجمه و چاپ کردیم. چند کتاب نیمه تمام از شهید مطهری و دکتر شریعتی و بعضی از کتاب‌های امام را که در انبارها مانده بود به زبان آلمانی تکمیل و توزیع کردم.

کتابخانه: در چاپ و انتشار کتاب‌ها از چه کسانی همکاری می‌گرفتید؟

همتی: خداوند توفیق داد با کمک بعضی از افراد مسلمان که پروفسور دانشگاه بودند و با حمایت آیت الله قمی در دفتر مقام معظم رهبری، به لحاظ مادی و معنوی برای اولین بار کتابی از حضرت آقا، را ترجمه کنم و زیر نظر خودم بازبینی و تصحیح

کرسی داشتند. عربستان سعودی هم کرسی اسلام‌شناسی داشت که تعطیلش کردند برای این که ترویج تبلیغات و هابیت را از دانشگاه داشتند.

درواقع این تفاهم نامه تأیید و احیا کرد این بحث را که کاربرهای آموزشی در قم و لایپزیگ باشد، تبادل استاد و دانشجو داشته باشند. یک استاد مثلاً برای ۲ سال از آنجا بیاید قم از قم برود آنجا، خوابگاه به او بدهند، دستمزد بدهند. حتی پول هواپیما و... را پردازند، همه اینها در یک روز امضا شد و تاریخ اجرایش را هم همان روز امضا گذاشتیم، ترسیدیم که مشکلات سیاسی بعداً آن را به تعویق بیندازد و مانع پیش بیاید.

برای اولین بار در دانشگاهی با سیزده دانشکده و هفتاد و هشت رشته و بیش از هجده هزار دانشجو رشته شیعه‌شناسی از اول امسال تأسیس شد و قرار است مدرک فوق لیسانس شیعه امامیه دهد. بنده اول حدود هشتصد جلد کتاب به آنها هدیه کردم که لیست آنها را به دفتر مقام معظم رهبری و رئیس

سازمان فرستادم بعد حدود ۶۰ جلد از کتابخانه شخصی خودم برایشان بردم. بعد یک اتاقی در کنار کتابخانه عمومی بیلدفد تخصیص داده شد و نام آن را اتاق ایران گذاشتند. آلبوم هایی هم از ایران برایشان فرستادم. ده دوازده خبرنگار آن روز آمده بودند و عکس می گرفتند. به احترام ما دو صفحه باز شده از یک نسخه خطی قرآن را روی یک مانیتور بزرگ انداخته بودند و به سه خط به زبان فارسی از ما و ایران تشکر کردند. این است که من به آینده اسلام در اروپا امیدوارم.

کتابخانه: واکنش کسانی که مستمع سخنان در خصوص مکتب اهل بیت بودند بویژه برای دفعات اول چگونه بود؟

همتی: اولین باری که من راجع به مکتب، امامت سخن گفتم در آملی تئاتر دانشگاه بیلدفد بود. بعد از سخنرانی رئیس دانشگاه بلند شد و تشکر کرد و استادهایشان شروع به

پرسیدن سؤال کردند، این سؤال و جواب ۴ ساعت طول کشید. استاد جامعه شناس پرفسور شفر گفت: شما برای ما بحث نکردی ما را سیر دادی ما را به یک سفر بردی، ای کاش بر نمی گشتیم. در آنجا دو تا خانم را دیدم با روسری آمده اند. فکر کردم ایرانی هستند ولی یکیشان گفت از یوگسلاوی است و دیگری آلبانی. آنها اشک می ریختند و می گفتند ما کسی را نداریم که بتوانیم در این موارد به او مراجعه کنیم همان جا از من خواستند که رساله ای راجع به شیعه بنویسم تا کتاب درسی بشود.

کتابخانه: مباحثه چهره به چهره هم با اساتید آنجا داشتید؟

همتی: بله. گاهی می خواستند اطلاعات مرا بسنجند و دانشمندان و نظریه پردازان خود را اسم می بردند که من می شناختم و می گفتم بله آمار و ترجمه هایشان این است و آن است. میشل فوکو، پل دمان، ژیل دلوز، پی یور دیو و... من غربی ها را مثل آنها می شناختم اما به منابع اسلامی که می رسیدیم آنها چیزی برای گفتن نداشتند. خوب من اینها را خوانده بودم. کفایه خوانده بودم، اصول فقه می دانستم. از معالم تا درس خارج و... خیلی برایشان جالب بود. بخصوص شیفته فلسفه ملاصدرا و افکار سید حیدر آملی شاعر شیعه بودند.

کتابخانه: ترجمه منابع اسلامی در آلمان وجود نداشت؟

همتی: یکی از کارهای ابن عربی به آلمانی ترجمه شده بود که اتفاقاً آلمانی ها خیلی به آن استناد می کردند. من به حاج آقا قمی عرض کردم اگر یکی دو تا از این کارها به زبان آلمانی ترجمه شود برای



کتابخانه: قبر دروغین؟

همتی: بله. یک موزه دائمی یهود هم در برلین هست که در گوشه ای از این موزه کله ها و اسکلت هایی درست کرده اند و روی هم ریخته اند. بسیار هم تاریک است. وقتی برای مشاهده توریست ها در را باز می کنند، آدم وحشت می کند. بعد تو این دخمه هاشان پشت شیشه ها نور است و مثلاً یک دسته موی دخترکی یا یک ویلن باسیم های پاره شده وجود دارد. نامه هایی را نوشته اند که نشان بدهند آن زمان اجداد ما در آلمان بودند، اینها هم نامه هایی است که برایشان نوشته می شده. این موزه ساختگی یهودی صهیونیستی بالاترین نرخ امنیت و حفاظت برایش اعمال می شود. این است که عرض می کنم هم توده آلمانی و هم نخبه هاشان از صهیونیست ها خوششان نمی آید و می گویند اینها همیشه برای ما مشکل ساز بوده اند. حتی یکی دو تا از آلمانی ها در آن زمان گرفتند. شبیه آن تاریخدان انگلیسی که به او سه سال زندان دادند و ما تازه فهمیدیم که هر کسی در مورد هولوکاست تحقیق کند زندان دارد.

کتابخانه: پیروزی مقاومت لبنان و سید

حسن نصرالله چه تأثیری در آنجا داشت؟

همتی: همان سال اول که اسرائیل به لبنان حمله کرد داشتن عکس سید حسن نصرالله، ۳ سال زندانی داشت، چه رسد که با عکس او عکس بگیرند. وضعیت دشواری بود و کمک رسانی به مظلومان لبنانی یا دفاع از آنها خیلی مشکل بود. به لطف الهی پیروز شدند.

دانشگاهها خیلی بدرد می خورد. الان رساله آقای سید محمد خامنه ای را که راجع به ملاصدراست و در صد صفحه به انگلیسی ترجمه شده است در حال ترجمه به آلمانی است که کتاب درسی شود. یک پرفسور دیگر را پیدا کردیم و گفتیم کمکت می کنیم فصوص الحکم ابن عربی را ترجمه کنی.

کتابخانه: یعنی آنها به عرفان اینقدر علاقه مندند؟

همتی: خیلی. یک مقایسه ای با دکارت می کردند. خودشان معتقد بودند که دکارت پیش ابن عربی شاگرد است.

کتابخانه: می فهمند؟

همتی: استادهای سالخورده فلسفه و عرفان که سالها کار کردند، بله.

کتابخانه: آقای احمدی نژاد در

صحبت هایش درباره هولوکاست به نوعی گفت آلمانی ها جنایتکار نیستند. اما آنها می گویند، این جنایت ها را کرده ایم و این بخاطر دفاع آنها از صهیونیسم است.

همتی: آقای احمدی نژاد در واقع آنها را از یک بار گناه آزاد کرد.

کتابخانه: همزمان با این صحبت ها شما آنجا بودید. چه تأثیری در توده های مردم و اساتید مشاهده کردید؟